

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ولادیمیر ایلیچ لنین
برگردان: شهرام فلاح
فرستنده: طاهر باختری
۰۷ سپتمبر ۲۰۲۴

شرایط پذیرش اعضای جدید در حزب - نامه‌هایی به و.م.مولوتوف

اگر چشمان خود را به روی واقعیت نیندیم باید قبول کنیم که سیاست پرولتاریائی حزب در حال حاضر به واسطه خصوصیات اعضای آن تعیین نمی شود، بلکه به وسیله اعتبار بی نظیر و یکپارچه گروه کوچکی است که می توان آن را گارد قدیمی حزب نامید. به هر تقدیر کافی است یک درگیری جزئی درون این گروه اتفاق بیفتد، در اینصورت اگر اعتبارش از بین نرود، به قدری تضعیف می شود که توان تعیین خط مشی سیاسی را از دست می دهد.

ولادیمیر ایلیچ لنین

۱.

رفیق مولوتوف؛

تقاضا می کنم که پیشنهاد زیر به جلسه پلنوم کمیته مرکزی ارائه شود.

به نظر من خیلی مهم است که دوره آزمایشی برای اعضای جدید حزب طولانی تر شود. زینویف پیشنهاد می کند که دوره آزمایشی برای کارگران باید ۶ ماه و برای سایر گروه ها ۱۲ ماه باشد. من یک دوره ۶ ماهه را تنها برای آن دسته از کارگرانی پیشنهاد می کنم که عملاً سابقه کاری شان در شرکت های بزرگ صنعتی کمتر از ۱۰ سال نباشد. یک دوره ۱۸ ماهه باید برای تمامی کارگران دیگر، ۲ سال برای دهقانان و اعضای ارتش سرخ و ۳ سال برای سایر گروه ها تعیین شود. استثنائات در موارد خاص به شرط موافقت مشترک کمیته مرکزی و کمیته کنترل مرکزی، مجاز است.

به نظر من موافقت با دوره های کوتاه آزمایشی که زینویف پیشنهاد داده است بسیار خطرناک خواهد بود. بدون شک ما [در این حالت] دائماً افرادی را کارگر به شمار می آوریم که کمترین تجربه واقعی از کار در صنعت بزرگ-مقیاس را نداشته اند. می توان مورد به مورد خرده بورژواهایی را نام برد که به طور تصادفی و فقط برای مدت زمان کوتاهی کارگر شده‌اند و به عنوان کارگران طبقه بندی می شوند. تمامی اعضای مرد رند گارد سفید به دلایل قاطع بر این واقعیت حساب باز کرده اند که خصلت پرولتاری منتسب به حزب ما، ذره ای در مقابل عناصر خرده مالکی که به سرعت نیز بر حزب مسلط می شوند، مصون نیست. با توجه به روش های منسوخ و غیرنظام مندی که بر تشکیلات ما حاکم است، دوره های کوتاه آزمایشی عملاً به این معنا خواهد بود که هیچ آزمون واقعی در

کار نیست تا تعیین کند که آیا واقعا داوطلبان، کمونیست های کم یا بیش آزموده شده ای هستند یا خیر. اگر ما ۳۰۰ الی ۴۰۰ هزار عضو حزب داشته باشیم، حتی این رقم هم بسیار بالا است، [در این صورت] به معنای واقعی کلمه همه شواهد حاکی از آن است که سطح آموزش اعضای فعلی حزب، کفایت نمی کند. به همین دلیل است که من به شدت بر دوره های آزمایشی طولانی تر و صدور بخشنامه به دفتر سازماندهی اصرار می کنم که قوانینی را تدوین و به طور دقیق اعمال کند تا دوره های آزمایشی به یک آزمون جدی بدل شود نه یک تشریفات بیهوده. به نظرم این موضوع باید با دقت خاصی در کنگره مورد بحث قرار گیرد.

لنین

۲۴ مارچ ۱۹۲۲

۲

رفیق مولوتوف؛

لطفاً قبل از این که مسأله شرایط پذیرش اعضای جدید حزب در کنگره مطرح شود، این [نامه] را به تمامی اعضای کمیته مرکزی بدهید تا آن را بخوانند.

با اعلام تصمیم جلسه پلنوم ۲۵ مارچ در مورد دوره های آزمایشی برای اعضای حزب، مایلم این تصمیم را در کنگره زیر سؤال ببرم. از آنجائی که نگرانم احتمالاً نتوانم در کنگره صحبت کنم، بنابراین تقاضا می کنم تا نظر من خوانده شود.

شکی نیست که اگر بر اساس [نظر] اکثریت اعضای فعلی قضاوت کنیم، حزب ما به اندازه کافی پرولتری نیست. فکر نمی کنم کسی بتواند این [موضوع] را زیر سؤال ببرد، یک نگاه صرف به آمار، آن را تأیید خواهد کرد. از زمان جنگ به این سو، کارگران صنعتی روسیه بسیار کمتر از قبل پرولتری شده اند، زیرا در طول جنگ همه کسانی که می خواستند از زیر بار خدمت نظامی شانه خالی کنند، در کارخانه ها مشغول به کار شدند. همه از این امر اطلاع دارند. از سوی دیگر، به همان اندازه شکی نیست که در مجموع (اگر سطح اکثریت قاطع اعضای حزب را در نظر بگیریم)، حزب ما-مخصوصاً با توجه به برتری چشمگیر دهقانان که به سرعت در حال آگاه شدن به سیاست مستقل طبقاتی هستند-از حیث سیاسی کمتر از آنچه برای رهبری واقعی پرولتاریا در شرایط دشوار کنونی ضروری به شمار می رود، آموزش دیده است. مضاف بر این، باید در نظر داشت که وسوسه پیوستن به حزب حاکم در زمان حاضر، بسیار زیاد است. کافی است تمام تولیدات ادبی نویسندگان Smena Vek^۱ را به خاطر آوریم تا متوجه شویم آن دسته از افرادی که از موفقیت های سیاسی بلشویک ها از خود بی خود شده اند، نسبت به هر آنچه پرولتری به شمار می آید، بیگانه اند. اگر کنفرانس جنوا^۲ موفقیت های بیشتری برای ما به بار آورد، تلاش های عناصر خرده بورژوا و عناصری که علناً با هر آنچه پرولتری است دشمنی دارند، برای نفوذ به حزب بشدت افزایش پیدا خواهد کرد. شش ماه دوره آزمایشی برای کارگران به هیچ وجه از این فشار نمی کاهد، زیرا این ساده ترین کار دنیاست برای هر کسی که واجد شرایط این دوره آزمایشی کوتاه با روش های متقلبانانه شود، به همین خاطر در شرایط کنونی پیوستن بسیاری از عناصر روشنفکر و نیمه روشنفکر به صف کارگران اصلاً دشوار نیست.

من با ذکر همه این موارد به این نتیجه می رسم که ما باید دوره های آزمایشی بسیار طولانی تری را برگزار کنیم و این عقیده با این واقعیت مسجل می شود که گارد سفید مسلماً روی ترکیب غیر پرولتری اعضای حزب ما حساب می

کند. اگر ما با یک دوره شش ماهه برای کارگران موافقت کنیم، در اینصورت باید بدون استثنا، نه به منظور فریب دادن خودمان یا دیگران، اصطلاح "کارگر" را طوری تعریف کنیم تا فقط کسانی را شامل شود که ذهنیت پرولتری را از خود شرایط زندگی شان کسب کرده اند. اما این غیر ممکن است مگر این که افرادی سال های زیادی در یک کارخانه کار کرده باشند، البته نه با انگیزه های پنهان، بلکه به دلیل شرایط عمومی زندگی اقتصادی و اجتماعی خود.

اگر چشمان خود را به روی واقعیت نبندیم باید قبول کنیم که سیاست پرولتاریائی حزب در حال حاضر به واسطه خصوصیات اعضای آن تعیین نمی شود، بلکه به وسیله اعتبار بی نظیر و یکپارچه گروه کوچکی است که می توان آن را گارد قدیمی حزب نامید. به هر تقدیر کافی است یک درگیری جزئی درون این گروه اتفاق بیفتد، در اینصورت اگر اعتبارش از بین نرود، به قدری تضعیف می شود که توان تعیین خط مشی سیاسی را از دست می دهد.

از این رو ضروری است: ۱. طولانی شدن دوره آزمایشی برای همه گروه ها ۲. به منظور واکاوی دقیق نحوه گذراندن دوره آزمایشی متقاضی؛ چه آزمون های کنکرت و عملی باید به کار رود تا مشخص شود آیا دوره آزمایشی واقعاً یک دوره آزمایشی است و نه یک تشریفات صرف ۳. ایجاد یک اکثریت واجد شرایط در نهادهائی که در مورد درخواست های اعضای جدید تصمیم می گیرند ۴. تصمیم گیری در رابطه با پذیرش اعضای جدید باید به شکل قانونی درآید که نه تنها توسط کمیته های گوبرنیای [منطقه ای] حزب، بلکه توسط کمیته های کنترول هم تأیید شود ۵. به منظور کمک به حزب تدابیر دیگری اتخاذ شود تا خود را از شر اعضای خلاص کند که به هیچ عنوان کمونیست هائی نیستند که آگاهانه یک سیاست پرولتری را پیش ببرند. من پیشنهاد نمی کنم که یک تسویه کلی در حزب به راه انداخته شود، زیرا فکر می کنم که در این لحظه غیر عملی است؛ اما به نظرم ضروری است ابزارهائی برای تسویه عملی حزب، یعنی کاهش اعضای آن پیدا کرد. مطمئنم اگر فکر کردن به این موضوع را ضروری در نظر بگیریم، می توان تدابیر مناسبی اتخاذ کرد.

از اعضای کمیته مرکزی که این نامه را می خوانند درخواست می کنم در صورت امکان به من پاسخ دهند، حتی اگر در حد یک پیام تلفنی مختصر به یکی از منشی های شورای کمیسرهای خلق باشد.

<https://www.marxists.org/archive/lenin/works/cw/volume33.htm>

۱. Smenovekhosty، یک جنبش سیاسی در جامعه مهاجران روسیه که اندکی پس از انتشار مجله Smena Vekh در سال ۱۹۲۱ در پراگ شکل گرفت. در فرازی از این نشریه می خوانیم: قطعاً جنگ داخلی بازنده این نبرد است. مدت زمان زیادی است که روسیه راه خود را می پیماید نه راه ما... یا همین روسیه را به رسمیت بشناسید-با همه تنفری که از آن دارید-یا بدون روسیه بمانید، زیرا "روسیه سومی" مطابق نسخه شما وجود ندارد و نخواهد داشت. رژیم شوروی روسیه را نجات داد-رژیم شوروی به رغم استدلالات سنگینی که علیه آن مطرح می شود-رژیمی مشروع است (ویکی پدیا)

۲. کنفرانس جنوا گردهمائی ۳۴ کشور جهان در ۱۰ اپریل سال ۱۹۲۲ در شهر جنوا ایتالیا برگزار شد. کنفرانس جنوا به دلیل اختلافات فرانسه و آلمان، مخالفت شوروی با پرداخت بدهی های روسیه تزاری و عدم حضور ایالات متحده آمریکا به شکست انجامید.

برگرفته از: تدارک کمونیستی